هوالعلیم

بررسی حکم قرائت قرآن در نماز از روی مصحف

سلسله دروس خارج فقه – وجوب عمره مفرده و بحث از تکرر آن در یک‌ماه - جلسه ۱۴۷

استاد
آیت‌الله حاج سید محمدمحسن حسینی طهرانی
قدّس الله سرّه

أعوذُ بِالله مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيم
بِسمِ الله الرَّحمَنِ الرَّحيم

با توجه به وضعیّتی که سال قبل داشتیم، می‌توانیم بگوییم که به‌طورکلی بحث فقهی متروک شد و جلسات معدودی هم که بود، به مباحث فلسفی گذشت؛ لذا اگر امسال به همان کیفیت پیش برویم، به دستورِ مرحوم آقا ـ رضوان الله تعالیٰ علیه ـ که اطلاع دارید، عمل نکرده‌ایم. امسال بنا را بر این گذاشتیم که ابتدا بحث فقهی باشد و بحث دوم فلسفه باشد. حالا بعضی از روزها اگر موانعی مانند خستگی و امثال‌ذلک مانع از بحث دوم شد، بحث اول به جای خودش باقی باشد.

إن‌شاءالله از جلسهٔ بعد ـ اگر خدا بخواهد ـ همان بحث فقهی را ادامه می‌دهیم و به‌دنبال آن بحث فلسفی [را بیان می‌کنیم] ولی سعی می‌کنیم که هر کدام بیشتر از نیم ساعت طول نکشد که به توصیهٔ آقایان [اطباء] هم عمل شده باشد.

حکم قرائت قرآن از روی مصحف در نمازهای یومیه

امروز می‌خواستم بحث حج را شروع کنم اما مسئله‌ای پیش آمد و آن مسئله هم خیر بود که ما در مسئله‌ای فقهی تجدید نظر کنیم. از آنجایی که یادم هست یک شب از شب‌های پنج‌شنبه در همین مدرسهٔ فیضیه ـ آن موقع که مباحث فقهی، خارج از بحث معمول و متداول کلاسیک مطرح و صحبت می‌شد ـ صحبت از قرائت قرآن از روی مصحف در نمازهای یومیه شد و نتیجهٔ صحبت و بحث بر احتیاط قرائت از روی مصحف و عدم جواز در نمازهای مکتوبه و یومیه شد اما گفتیم که در نوافل اشکال ندارد. من در این مدت نسبت به نتیجهٔ این بحث، رضایت خاطر نداشتم و این مسئله برای من به‌صورت معمایی باقی مانده بود ولی به کسی نمی‌گفتم، سؤال هم که می‌کردند، در پاسخ می‌گفتم: «مسئله، طبق قاعده و ظاهر به این کیفیت است چون نصّ روایت است و ما از خودمان نمی‌توانیم چیزی بگوییم.»

اما صرف‌نظر از فتوای بزرگان بر جواز قرائت و حتی حکم به استحباب آن حتی سُور عزائم و آیهٔ سجدهٔ در سور عزائم، در تمام این مراتب و موارد، فی‌حدّنفسه برای من یک سؤال و معما بود که چه اشکالی دارد که مصلّی سوره‌اش را در نماز با نظر به مصحف قرائت کند؟! چه مانعی وجود دارد که در روایات نسبت به این قضیه منع شده است؟! فقهائی هم که در این مسئله فتوا داده‌اند، بعضی قائل به حرمت و بعضی قائل به جواز و بعضی قائل به احتیاط شده‌اند، لابد رفقا در آن زمان تقریرات را مطالعه کرده‌اند، کلام مرحوم آقا شیخ

محمدحسن صاحب جواهر نسبت به این مسئله هم به همین کیفیت بود.[1]

روایتی هم که در این زمینه آورده‌اند؛ روایت صحیحهٔ علی بن جعفر از حضرت موسی بن جعفر علیهماالسّلام از قرب الإسناد بود که صحیح بود؛[2] لذا این مطلب برای من به‌عنوان مسئلهٔ لاینحلی باقی مانده بود و از یک طرف هم راه مفرّی برای تغییر این فتوا نداشتیم، بحث آن را هم کرده بودیم؛ البته یادم هست که من در آن موقع روی این مسئله عمیق مطالعه نکرده بودم ولی از آنجایی که همان سَبق ذهنی من نسبت به این مسئله حاکی بود؛ لذا توجه نمی‌کردم و می‌گفتم که فعلاً قضیه این‌طور است تا بعد روشن شود. چون بالأخره انسان تابع یک مبانی است و با توفیق الهی می‌تواند از مطالب و مطاوی روایات و آثار و مبانی وارده، حال و هوایی از آن رایحهٔ تکلیف، ملاک و مناط حکم استشمام کند.

خلاصه این دو قضیه باهم، [هم‌خوانی] نداشتند؛ از طرفی روایات زیادی راجع به قرائت قرآن در نماز به‌نحو مطلق داریم که: «مَن قرأ فی الصلاة»... این روایات از امام رضا، امام صادق، امام باقر، رسول خدا، امیرالمؤمنین علیهم السلام می‌باشند و به این مضمون هستند که اگر کسی این سوره یا آن سوره را بخواند یا مثلاً حم سجده بخواند، حم دخان بخواند و امثال‌ذلک فلان قدر ثواب دارد یا فلان آثار و فوائد را دارد و... .

همهٔ افراد که سور حٰم سجده و حٰم دخان را حفظ نیستند یعنی وقتی که از نقطه‌نظر شمّ الاجتهاد و الاستنباط به مطلب نگاه کنید، این مسئله برای انسان روشن می‌شود که این‌همه استحباب، فوائد و آثاری که برای قرائت مثلاً سورهٔ واقعه، حم سجده، حم دخان، زمر یا سور طُوال ذکر شده‌اند، آیا فقط منحصر به افرادی است که حافظ این سُور هستند یا اینکه برای همه است؟! یعنی حالا اگر کسی این سُور را حفظ نیست، باید از این ثواب محروم باشد؟! آیا شرع چنین تجویز و اجازه‌ای به خودش می‌دهد که بگوید: «این ثواب‌ها برای افرادی است که این سُور را از حفظ دارند و اگر کسی حفظ نباشد حق ندارد که از روی قرآن چیزی بخواند و کسی که نمی‌تواند بخواند، از این ثواب محروم است»؟! همهٔ افراد که نمی‌توانند قرآن حفظ کنند! حالا کلاس‌هایی دائر شده است و افراد به این کلاس‌ها می‌روند و این سور را حفظ می‌کنند.

---

[1] جواهر الکلام، ج ۹، ص ۳۴۳:
«و لا یجوز أن یقرأ فی الفرائض شیئا من سور العزائم کما هو المشهور بین الأصحاب شهرة کادت تکون إجماعا، بل هو کذلك فی الغنیة و التذکرة و عن الانتصار و الخلاف و نهایة الأحکام و کشف الالتباس و إرشاد الجعفریة ... .»

[2] وسائل الشیعة، ج ۶، أبواب القراءة فی الصّلاة، باب ۴۰، ص ۱۰۶، ح ۴:
«عَبدُ الله بنُ جَعفرٍ فی قُربِ الإسنادِ عَن عَبد الله بنِ الحسنِ عَن جَدِّهِ عَلیِّ بنِ جعفرٍ عَن أَخیهِ قالَ: سأَلتُهُ عَنِ الرَّجُلِ یَقرأُ فی الفریضةِ سُورةَ النَّجمِ، أَ یَرْکَعُ بها أَو یَسجُدُ ثُمَّ یَقومُ فَیَقْرأُ بغیرها قالَ: "یَسجُدُ ثُمَّ یَقُومُ فَیَقْرأُ بِفَاتِحَةِ الکِتابِ، وَ یَرکَعُ (و ذلکَ زِیادَةٌ فی الفَریضَةِ) و لا یَعُودُ یَقْرأُ فی الفَریضَةِ بِسَجدَةٍ".»

سرد این مسئله و جریان این قضیه، ـ لولا مسائل و مقارنات دیگر و امثال‌ذلک ـ این مطلب را برای انسان روشن می‌کند که وقتی شارع مقدس اثری را بر حکمی مترتّب می‌کند، یک نظر عام نسبت به همهٔ افراد مصلّی دارد و فقط به کسانی که حافظ سور هستند نظر ندارد.

استحباب تلاوت سورهٔ جمعه در شب جمعه در نماز

مثلاً وارد است که در شب جمعه سورهٔ جمعه را بخوانند،[1] آیا ثواب‌ها فقط برای کسانی که آن سوره را از حفظ بخوانند، مترتّب می‌شود؟! یا اگر از روی کاغذ باشد، یا از روی دیوار باشد، یا از حفظ بخواند، یا از روی قرآن بخواند، بالأخره سورهٔ جمعه در لیلة الجمعه قرائت و تلاوت شود، آن ثواب مترتّب می‌شود؟ کدام‌یک از این دو مطلب هم‌خوانی دارد؟! این مطلب را که خدمتتان عرض کردم به‌خاطر نکتهٔ خیلی مهمی است که به‌طورکلی چطور ما از آن حقیقت و مبنای دین فاصله گرفته‌ایم. چطور امکان دارد شارع بگوید که در شب جمعه یا در شب شنبه، یا در صبح دوشنبه، یا در نماز مغرب و عشاء، اگر کسی این سوره را بخواند، این آثار بر او مترتّب می‌شود اما منحصر به کسانی باشد که حفظ هستند و کسی که حفظ نیست، هیچ اثری برای او نیست و آن شخص باید ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾[2] و یا سورهٔ ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ﴾[3] بخواند؟! انسان نمی‌تواند با تحریصی که نسبت به این قضیه وارد است، چنین تصوری نسبت به شارع داشته باشد. حالا بگذریم از روایتی از امام رضا علیه السلام که می‌فرماید:

عن الفضلِ بنِ شاذانَ عن الرضا علیه السّلام أنّه قالَ: «أُمِرَ النّاسُ بالقراءةِ فی الصلاةِ لِئَلّا یَکُونَ القرآنُ مهجوراً مضیَّعاً و لِیَکونَ محفوظاً مَدروساً» الحدیث.[4]

و امثال‌ذلک که همهٔ این مطلب را تأیید می‌کنند که نفس سرد و جریان این حکم، اقتضای استحباب قرائت مصحف را در نماز می‌کند، اصل مسئله چنین مطلبی است؛ لذا باهم هم‌خوانی ندارند.

اینجا از همان جاهایی است که خدمت رفقا عرض کردم که انسان خودش باید فی‌حدّ‌نفسه به مرتبه و

---

[1] تهذیب الأحکام، ج ۳، تتمة کتاب الصلاة، باب ۱، ص ۷، ح ۱۸:

«عَن حَریزٍ و ربْعیٍّ رَفَعاهُ إلی أَبی‌جعفرٍ علیه السلام قالَ: "إذا کانَ لَیلةُ الجُمُعَةِ یُستَحَبُّ أَن یُقرَأَ فی العَتَمَةِ سُورةُ الجُمعةِ و ﴿إِذَا جَآءَکَ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ﴾ و فی صلاةِ الصُّبحِ مِثْلُ ذلک و فی صلاةِ الجُمُعةِ مِثْلُ ذلکَ و فی صلاةِ العَصرِ مِثلُ ذلک".»

[2] سورهٔ اخلاص (۱۱۲) آیهٔ ۱.

[3] سورهٔ ناس (۱۱۴) آیهٔ ۱.

[4] وسائل الشیعة، ج ۶، ابواب قراءة فی الصلاة، باب ۱، ص ۳۸، ح ۳.

مرحله‌ای برسد که وقتی به روایت نگاه می‌کند، احساس کند که لسان دلیل بر چه منوالی جریان دارد، یکی از آن موارد همین مورد است. ظاهر روایت علی بن جعفر دلالت بر بطلان نماز کسی می‌کند که از روی مصحف قرائت کند اما وقتی به این مسئله نگاه کنید، می‌گویید که این مطلب چه عاملی می‌تواند داشته باشد؟! حداقل این است که انسان را در فکر فرو می‌برد یعنی برای انسان یک علامت سؤال ایجاد می‌کند.

لذا این قضیه به‌نحو ابهام بود تا اینکه چندی پیش یکی از دوستان از مشهد تماس گرفت و سؤال کرد که آیا نظر شما همین است؟! گفتم: «بله، نظرم این است که احتیاطاً قرائت از روی مصحف را در صلاة باید ترک کرد، شاید به این جهت است که با حالت نماز تنافی دارد.»

نظر علاّمه طهرانی راجع به قرائت قرآن با مصحف در نماز

ایشان گفت که آخر نظر مرحوم آقا این‌طور بود. گفتم: بله، بنده نظر ایشان را می‌دانم. نظر ایشان بر استحباب قرائت با مصحف و حتی بر جواز قرائت سُور عزائم بود و حتی به یاد دارم که ایشان حتی سجده را هم به‌عنوان یک سجدهٔ اضافی تلقّی نمی‌کردند بلکه سجدهٔ اضافی درنظر ایشان، سجده‌ای بود که در نماز به‌عنوان سجدهٔ رکن و راتبه باشد. حالا اگر شخصی در نماز آیهٔ سجده بخواند و چون واجب است که سجده کند، سجده انجام دهد، رکن محسوب نمی‌شود.

من گفتم: دوباره راجع به این قضیه مراجعه می‌کنم. عرض کردم که چند سال پیش مراجعهٔ من دقیق نبود، وقتی مراجعه کردم دیدم که عجب! اصلاً این روایت دلالت بر بطلان ندارد، حتی از کسانی که روایت علی بن جعفر را دلیل بر بطلان می‌دانند، تعجب کردم!

روایاتی که در این زمینه دلالت بر استحباب قرائت سُور در نماز دارند، إلیٰ‌ماشاءالله خیلی زیاد هستند و نیاز به گفتن ندارد؛ خود رفقا اگر وسائل یا جامع‌الأحادیث دارند، ببینند. روایتی که مربوط به خصوص النظر فی المصحف می‌باشد، یك روایت است که نظر در مصحف را بلا اشکال می‌داند؛ روایت امام صادق علیه‌السلام است:

عَن الحسن بن زیادٍ الصیقل قال: قلتُ لأبی‌عبدالله علیه السلام: ما تَقولُ فی الرَّجلِ یُصَلّی و هو یَنْظُرُ فی المُصحَفِ یَقرَأُ فیه یَضَعُ السِّراجَ قریباً منه؟ فقالَ: «لا بأسَ بذلک.»[1]

حضرت فرمودند که اشکالی ندارد.

اما آن روایتی که در اینجا باعث شبهه شده است، روایت مربوط به علی بن جعفر است که از موسی بن

[1] وسائل الشیعة، ج ۶، أبواب القراءة فی الصّلاة، باب ۴۱، ص ۱۰۷، ح ۱.

جعفر علیهماالسّلام روایت می‌کند:

عن علی بن جعفر، عن أخیه موسی بن جعفر علیه السلام، قالَ: سألته عن الرجلِ و المرأةِ یَضَعُ المصحفَ أمَامَه یَنْظُرُ فیه و یَقرأُ و یُصلّی؟ قال: «لا یَعتَدُّ بتلکَ الصَّلاةِ».[1]

شخصی مصحف را اَمام خودش قرار می‌دهد یعنی مقابل خودش قرار می‌دهد و بعد «یَنْظُرُ فیه و یَقرَأُ و یُصلّی»، حضرت فرمودند که نمی‌توان به این نماز اعتنا کرد. اگر دقت کنید متوجه می‌شوید که این روایت با روایت قبل فرق دارد؛ شخص در روایت اول مصحف را در دست می‌گیرد و بعد به‌واسطهٔ نور سراج نگاه می‌کند و قرآن را می‌خواند، حضرت می‌فرمایند که نمازش درست است اما در روایت دوم مصحف را به‌دست نمی‌گیرد بلکه مصحف را در مقابلش می‌گذارد، کسی که مصحف در مقابلش قرار دارد باید یك دقت مضاعف کند یعنی اضافه بر آن دقتی که شخص مصحف را در دست گرفته است و همین‌طور نگاه می‌کند و می‌خواند و جلو می‌رود، باید یك دقتِ نظر فی المصحف هم داشته باشد. حالا اگر نور چراغ کم باشد، چشمانش را به‌نحو خاصی می‌کند، آن‌طرف را نگاه می‌کند، این‌طرف را نگاه می‌کند، مقداری نگاه می‌کند، نمی‌دانم این کلمه چیست؟! لذا نگاه کردن به مصحف در مقابل، با نگاه‌کردن به مصحف در دست، زمین تا آسمان فرق می‌کند، حضرت در اینجا می‌فرمایند: اینکه نماز نشد که همین‌طور به مقابلت نگاه کنی و آیه را بخوانی بعد دوباره برای تو شبهه پیدا شود و دقت کنی! این دقت کردن و شبهه پیدا شدن و تأمل کردن، حالت صلاتیّه و ارتباط تو را ازبین می‌برد؛ لذا حضرت نمی‌فرمایند که هذه الصلاة باطلة و حرام بلکه می‌فرمایند: «لا یعتَدُّ بتلكَ الصَّلاةِ». فقهاء از این روایت استفادهٔ حرمت کرده‌اند یعنی گفته‌اند که «لا یَعتَدُّ بتلكَ الصَّلاةِ» یعنی نماز باطل است. حضرت نمی‌فرمایند که این نماز باطل شد بلکه می‌فرماید که این چه نمازی است، اینکه نماز نشد. پس عبارت «این چه نمازی است یا اینکه نماز نشد» با «نماز باطل است» دو مطلب است. مثلاً حضرت می‌فرمایند که برو پی کارت با این نماز خواندنت! آخر این نماز شد که می‌خوانی؟! «لا یعتَدُّ» یعنی به این نماز می‌گویند؟! این هم نمازشد؟!

حتی اگر حضرت می‌فرمودند که این عمل حرام است، در این صورت هم این روایت نمی‌تواند با روایات دیگر مقابله کند؛ به‌خاطر اینکه نوع قرائت و نظر در مصحف در اینجا تفاوت کرده است؛ در روایت اول شخص قرآن را به‌دست گرفته است مثل اینکه از حفظ می‌خواند، تفاوتی نمی‌کند. من هم قرآن را از حفظ

---

[1] وسائل الشیعة، ج ۶، أبواب القراءة فی الصّلاة، باب ۴۱، ص ۱۰۷، ح ۲.

می‌خوانم: ﴿يسٓ * وَٱلۡقُرۡءَانِ ٱلۡحَكِيمِ * إِنَّكَ لَمِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ * عَلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ * تَنزِيلَ ٱلۡعَزِيزِ ٱلرَّحِيمِ﴾[1] اما در روایت دوم مثلاً قرآن روی دیوار نوشته است و شخص از آنجا می‌خواند: ﴿يسٓ * وَٱلۡقُرۡءَانِ ٱلۡحَكِيمِ * إِنَّكَ لَمِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ﴾؛ لذا نمی‌تواند دقیق بخواند، با خود می‌گوید که چه نوشته بود؟! ﴿ٱلۡحَكِيمِ﴾؟! ﴿ٱلۡمُرۡسَلِينَ﴾ یا المرسلون؟! حضرت می‌فرمایند که «لا يَعتَدُّ بتلك الصَّلاةِ»، برو پی‌کارت با این نماز خواندنت، اینکه نماز نیست، تو همین‌طور به آنجا نگاه می‌کنی و برای تو شبهه ایجاد شود.

واقعیت هم همین است، شما یک کتاب را از رو بخوانید و یا در جلوی خود بگذارید و بخوانید، چقدر تفاوت می‌کند؟! در چنین وضعیتی حالت ارتباط و صلاتیّت بین مصلّی و پروردگار ازبین می‌رود و منقطع می‌شود؛ لذا می‌گوییم که این روایت اصلاً با روایاتی که دالّ بر جواز قرائت قرآن در نماز با سُور مختلف هستند، تنافی ندارد بلکه این روایت در یک فضا است و روایات دیگر در فضای دیگر هستند و دو موضوع مختلف‌اند. قرائت از روی مصحف به‌جای خودش باقی می‌ماند و همان‌طوری‌که از سایر روایات به‌دست می‌آید، استحبابش هم به جای خود باقی است.

مطلب دیگری در اینجا است که بعضی‌ها در این قضیه اشکال کرده‌اند به اینکه به‌طورکلی قرائت از روی مصحف و سُور طوال باعث می‌شود که حالت صلاتیّت ازبین برود و خدشه پیدا کند؛ یعنی این نماز و ترکیب در نماز و کیفیت نماز؛ قیام، قعود، ذکر، تلاوت و مونتاژی که از این اجزاء، اذکار، اوراد، ارکان و افعال من‌حیث‌المجموع به‌دست می‌آید، به‌هم می‌خورد ولی اگر انسان بایستد و با سور غیر طوال نماز بخواند ایراد ندارد؛ لذا می‌گویند که خواندن سُور طوال ایرادش به‌خاطر این است که شخص تبدیل به قاری قرآن می‌شود و یادش می‌رود که نماز می‌خواند.

این همان مسئله‌ای بود که من گفتم که مسئلهٔ مهمی است. اینها خیال می‌کنند که حالت مصلی، یک حالت قراردادی، اعتباری، مونتاژی، ترکیبی، هیئتی و دکوری است؛ ـ دکور اسم خوبی است! ـ یعنی شخص باید جلوی خدا بایستد و دستش را بالا ببرد و حواسش را جمع کند و یک سوره بخواند، سرش را به این‌طرف و آن‌طرف نکند و حمد و سوره در یک وقت مشخص تمام شود بعد به رکوع برود و همین‌طور سایر چیزها. اگر شخصی به‌جای ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٞ﴾، سورهٔ بقره را خواند، از هیئت صلاتیّه خارج می‌شود! عزیز من، چرا خارج می‌شود؟! در کجای صلاة داریم که هیئت ترکیبی در آنجایی است که عدد آیاتِ یک سوره از پنج آیه یا از ده آیه تجاوز نکند؟! چه دلیلی بر این مسئله هست؟!

---

[1] سورهٔ یس (۳۶) آیات ۱ ـ ۵.

این افراد اصلاً ارتباط بین بنده و خدا را نفهمیده‌اند که در وقت نماز، ایجاد ربط با پروردگار، اصل نماز و شروع در نماز است و هرچه این ربط طولانی‌تر باشد، مقربیّت و موجبیّت تجرّد او که ایجاد تجرد می‌کند برای بنده بیشتر خواهد بود. چه فرقی می‌کند که انسان در سجدهٔ نماز یک مرتبه «سبحان الله» بگوید یا صد مرتبه؟! حالا اگر در سجده صد مرتبه «سبحان الله» بگوید، نمازش باطل است؟! بله! طبق نص، باید در قرائت رکعت سوم، حمد یا سه مرتبه ـ یکی یا سه مرتبه ـ تسبیحات اربعه را بخواند و نمی‌تواند از آن تجاوز کند اما اگر کسی در رکوع یک مرتبه «سبحانَ ربی العظیم و بِحَمده» هم بگوید، کفایت می‌کند. حالا اگر شخصی بخواهد پنجاه مرتبه «سبحان ربی العظیم و بحمده» بگوید، چه اشکالی دارد؟! چه کسی گفته است که ایراد دارد؟! چه دلیلی بر این است که بیش از یک مرتبه کراهت دارد؟! ما این‌همه ادلّه داریم که نماز خواندن در فلان‌جا کراهت دارد؛ نماز خواندن در حمام کراهت دارد، نماز خواندن در خیابان کراهت دارد،[1] نماز خواندن در فلان موارد شبهه کراهت دارد، نماز بعد از طلوع فجر تا وقت ضحیٰ کراهت دارد. انسان این نمازها را نمی‌خواند، ادلّه هم دارد؛ یعنی دلیل دارد؛ لابد دلیلی برای آن هست و مسئله‌ای پشت آن هست اما در کجا داریم که اگر کسی بیش از یک مرتبه «سبحان الله» بگوید یا در سجده بیش از یک مرتبه «سبحان ربی الأعلیٰ و بحمده» بگوید، کراهت دارد؟! چه اشکال دارد که انسان در سجدهٔ نمازهای مکتوبه، ذکر یونسیه بگوید؟! «الصلاة دعاءٌ و ذکرٌ و صلواتٌ و قرائتٌ و حمدٌ و تسبیحٌ» این‌همه راجع به آن گفته‌اند، چه اشکال دارد؟! آیا حتماً باید انسان در قنوت یک دعای دو سه خطی بخواند؟! چه اشکالی دارد که انسان در قنوت دعاهایی که در قرآن هست؛ دعاهایی که انبیاء کرده‌اند، دعای امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه که می‌فرماید:

یا مَن تُحَلّ بِهِ عُقَدُ المَکارِهِ، و یا مَن یفْثَأُ بِهِ حَدّ الشّدائِدِ، و یا مَن یلْتَمَسُ مِنهُ المَخرَجُ إِلَی رَوحِ الْفَرَجِ ذَلّتْ لِقُدْرَتِکَ الصّعابُ، و تَسَبّبَتْ بِلُطْفِکَ الْأَسبَابُ، و جَرَی بِقُدرَتِکَ الْقَضاءُ.[2]

بخواند؟! واقعاً عجیب است، بزرگان این دعا را در قنوت می‌خواندند. این نماز ارتباطش بیشتر است یا اینکه بگوییم: «اللهمَ صلِّ علیٰ محمّدٍ و آلِ محمّدٍ و اغفِر للمؤمنینَ و المؤمنات و المسلمینَ و المسلمات الأحیاءَ منهم و الأموات»؟! این چه تفکری است که می‌گویند: «هیئت صلاتیّه در این نماز حفظ می‌شود اما در آن نماز ازبین می‌رود»؟! واقعاً چه تفکری است که ما را به اینجا می‌رساند که ما چنین تصوری کنیم؟! آیا جز این است

---

[1] وسائل الشیعة، ج ۵، ابواب مکان المصلی، باب ۱۹: باب کراهة الصلاة علی الطرق وإن لم تکن جوادّ، وجواز الصلاة علی جوانبها، ص ۱۴۷.

[2] مصباح (للکفعمی)، ج ۱، ص۲۳۳؛ صحیفة السجادیة، ج ۱، کانَ مِن دُعائِهِ علیه السلام إِذا عَرَضَتْ لَهُ مُهِمَّةٌ أَو نَزَلَتْ بِهِ، مُلِمَّةٌ و عِندَ الکَربِ، ص ۵۲.

که ما هیچ فهم و برداشتی از نماز، جز یك حالت تصنّع، تحجّر، خشك و دکور نداریم؟! این مسئله همان جنبه‌ای است که می‌گوید: «در ﴿إِيَّاكَ نَعۡبُدُ﴾ قصد حکایت کنید»، همان است که می‌گوید: «در ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾، ﴿قُلۡ﴾ خطاب به پیغمبر است و ما قصد حکایت می‌کنیم؛ خدا به پیغمبر گفت: ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾، ما هم همان را می‌گوییم وگرنه به ما چه ربطی دارد؟! خدا به ما که نفرموده است بلکه به پیغمبر فرموده است! از باب اینکه حکایت مَنقول إلی النَّبی مِن اللّه است، برای ما موجب جواز است و اگر خودمان بگوییم: ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾، خودمان مخاطب برای این نقل قرار می‌گیریم؛ لذا نماز اشکال دارد»! این همان طرز فکر است که می‌گوید: «اگر در نماز به‌جای ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾ سورهٔ بقره خواندی، هیئت صلاتیّه ازبین می‌رود»؛ یعنی نماز بی‌ارتباط است و به‌جای اینکه با خدا ربط برقرار کنی... ! ما که نماز را با سور قصار می‌خوانیم به‌خاطر این است که حوصله نداریم، کار داریم، زندگی داریم، مطالعه داریم، خواب داریم، خوراك داریم وگرنه افرادی که در سابق و در زمان پیغمبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بودند، حکایاتی از آنها نقل شده است که نماز مغرب می‌خواندند و تا موقع عشاء طول می‌کشید، عشاء می‌خواندند تا مدت طولانی طول می‌کشید، هر سجدهٔ آنها یك ربع یا بیست دقیقه طول می‌کشید[1] ولی الآن وضعیتی است که سجده جرم محسوب می‌شود و اگر انسان مقداری سجده را طولانی کند، می‌گویند که درویش و صوفی شده است، چرا سجده‌اش طول کشید؟ درویش نشده است، ریش خود را دراز نکرده است، پیش خود را دراز نکرده است! هیچی! همه چیز سر جای خود منظم و مرتب است، این بدبخت فقط دومرتبه «سبحان اللّه» اضافه گفته است! فقط دو مرتبه ذکر نماز را اضافه گفته است، آسمان به زمین آمده است؟! دلش می‌خواهد حال سجدهٔ خود را بیشتر ادامه دهد مگر گناه کرده است؟! جداً مگر گناه کرده است؟! این مطلب برای بسیاری از قفل‌ها و درب‌های بسته و نیمه‌باز و برای شبهات یك کلید است که انسان می‌تواند با این مطلب به آنها برسد.

بنابراین هیچ اشکالی ندارد که انسان در سجده هرچه می‌خواهد ذکر بگوید یا در قنوت هم همین‌طور؛

---

[1] تذکرة الاولیاء، ج ۱، ص ۱۲:

«اویس را می‌آرند که در همه عمر خویش هرگز شب نخفت. یک شبی گفتی: هذه لیلة الرکوع و دیگر شب گفتی هذه لیلة السجود .

یک شب به قیامی بسر بردی، و یک شب به رکوعی، و یک شب به سجودی. گفتند: یا اویس چون طاقت می داری شبی بدین درازی بر یک حال. گفت: ما خود هنوز یکبار سبحن ربی الاعلی نگفته باشیم در سجودی که روز آید، خود سه بار تسبیح گفتن سنت است. این از آن می کنم که می‌خواهم که مثل عبادت آسمانیان کنم.»

مثلاً سجدهٔ نماز ظهرش یک ساعت طول بکشد، چه اشکال دارد؟! وقتی کار نداری به سجده‌ات بچسب، به‌جای اینکه به جمال کسانی که نمی‌خواهی نگاهش کنی یا به‌جای نگاه به درودیوار، حداقل سجده کن و در سجده بگو که من در سجده‌ام! گاهی اتفاق می‌افتد که ـ گاهی البته ـ می‌گویند: «چرا بلند نمی‌شوی؟!» بگو که در سجده‌ام و نماز می‌خوانم!

حکم تلاوت سور عزائم در نمازهای واجب

روایات راجع به سور عزائم مختلف هستند؛ بعضی از روایات قرائت سور عزائم را جایز نمی‌دانند، بعضی از روایات خواندن سور عزائم را موجب ازدیاد رکن خوانده‌اند[1] و تصریح نسبت به این مسئله است. بنابراین فتوای فقهاء بر این است که جایز نیست؛ ـ من ندیدم که کسی جایز بداند ـ کُلّ فقهاء قرائت سور عزائم را جایز نمی‌دانند[2] اما یک روایت داریم که عدم جواز در آن معلّل به ازدیاد رکن است بنابراین با توجه به این کسی که می‌خواهد نصف یا ربعی را از این سور را بخواند، در این صورت بلا اشکال خواهد بود؛ یعنی اگر کسی نمی‌خواهد همهٔ سوره را بخواند مثل سورهٔ نجم که آیهٔ آخرش سجده دارد، یا سورهٔ علق: ﴿ٱقۡرَأۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ ٱلَّذِي خَلَقَ﴾[3] که همین‌طور است یا سورهٔ سجده که در اواسط آن آیهٔ سجده دارد، می‌تواند تا قبل از آیهٔ سجده را بخواند و اشکالی ندارد؛ یعنی این روایت، تعلیل عدم جواز را به ازدیاد جزء بیان می‌کند درصورتی‌که قاری قصد قرائت کل سوره را داشته باشد. پس تا این مقدار از کلام مرحوم آقا ـ رضوان الله تعالیٰ علیه ـ بر اینکه قرائت سوَر عزائم ایرادی ندارد، را می‌توانیم موافقت کنیم. برخلاف فتوای همهٔ فقهاء ـ من ندیدم که کسی قائل به جواز باشد، حالا شما خودتان ببینید ـ که قائل به عدم جواز هستند. لذا به‌طورکلی این‌گونه روایات را حمل بر عدم جواز به‌نحو مطلق کرده‌اند حتی بعضی از آنها فتوا به حرمت بسمله داده‌اند؛ درصورتی‌که بسمله جزئی از خصوص همان سوره باشد.

در اینجا یک روایت داریم که مشکل را حل می‌کند؛ از امام صادق علیه السلام سؤال می‌کنند که اگر کسی وارد در سور عزائم شده چه کند؟ حضرت می‌فرماید که قبل از اینکه به آن آیه برسد، ختم کند یا اینکه

---

[1] الکافی، ج ۳، کتابُ الصّلاةِ، بابُ عزائِمِ السُّجُودِ، ص ۳۱۸، ح ۶:
«عن زُرارةَ عن أحدِهِما علیهما السلام قالَ: "لا تَقرأ فِی المکتُوبةِ بِشیءٍ مِن العزائِمِ فإنّ السُّجُودَ زِیادةٌ فِی المکتُوبةِ".»

[2] عروة الوثقی، ج ۲، ص ۴۹۶؛ جواهر الکلام، ج ۹، ص ۳۴۳؛ حدائق الناضرة، ج ۸، ص ۱۵۲.

[3] سورهٔ علق (۹۶) آیهٔ ۱.

منصرف به سورهٔ دیگر شود.[1] البته اگر می‌خواهد همهٔ سوره را بخواند و قصدش این بوده است. پس حضرت می‌فرمایند که قرائت اصل سورَ عزائم ایراد ندارد یعنی این روایت، مطلقاتی را که دلالت بر عدم جواز می‌کنند، تقیید می‌زند چون روایات مختلف، زیاد هستند و این روایت آنها را تقیید می‌کند درصورتی‌که شخص، ناوی قرائت کُل سوره است، نه ناوی قرائت بعضی از سوره. لذا حضرت می‌فرمایند که قبل از رسیدن به آن آیه توقف کند، حالا یک سوره نخواند یا اینکه اگر قصد اتمام سوره را دارد، قبل از رسیدن به آن آیه منتقل به سورهٔ دیگری شود و آن سوره را تمام کند. از این جهت می‌توانیم عرض کنیم که قرائت سورَ عزائم در صلواة مکتوبه ایرادی ندارد، به استثناء آیاتی که آیات سجده هستند.

تلمیذ: سجدهٔ واحده که رکن نیست.

استاد: روایت دارد که رکن است.

تلمیذ: سجدهٔ واحده رکن نیست.

استاد: آن سجده ازدیاد است. اگر کسی عمداً یک سجده اضافه کند، نمازش باطل است، حالا کسی که عمداً آیه را می‌خواند، موجب ازدیاد عمدی سجده نیست؟!

تلمیذ: آیه را عمدی خوانده است ولی سجده که عمد نیست.

استاد: سجده مترتّب بر آیه است؛ لذا نمی‌تواند آیه را بخواند و سجده نکند. وقتی که این آیه را می‌خواند سجده جدا است؛ یعنی چه بخواهد یا نخواهد، در سجده باشد، در خواب یا بیداری باشد، در حال غذا یا نوم باشد، در هرکاری باشد، باید آن کار را رها کرده و سجده کند، اگر شنید باید سجده کند، بعد ادامه دهد. سجده، در هرحالی مترتّب بر آیهٔ سجده است. این سجده موجب ازدیاد رکن می‌شود؛ لذا وقتی دو سجده باهم رکن باشد، یک سجده هم نمی‌توانید انجام دهید.

تلمیذ: یک سجده رکن نیست بلکه جزء واجب است.

استاد: وقتی هردو رکن باشد یک جزء آن، جزء واجب می‌شود و آن هم اشکال دارد.

خلاصه ما این مسئله را تا اینجا آوردیم و از این به بعد موکول به زمان ظهور می‌شود که حضرت تشریف بیاورند و بفرمایند که آیا می‌شود یا نمی‌شود! ما با این ادلّه و روایات تا اینجا جلو آمدیم و پیشرفت کردیم، خیلی هم پیشرفت کردیم! همه فتوا به حرمت می‌دهند، حداقل ما تا نزدیک آن آمدیم!

---

[1] وسائل الشیعة، ج ۶، أبواب قراءة فی الصلاة، باب ۴۰، ص ۱۰۵، ح ۳:
«عن عمّار عن أبی‌عبدالله علیه‌السلام قال فی الرجل یَسمعُ السجدةَ فی الساعةِ الّتی لا تَستَقیمُ الصلاةُ فیها قبلَ غروب الشمس و بَعدَ صلاة الفجرِ، فقالَ: "لا یَسجُدْ و عن الرّجل یقرأُ فی المکتوبةِ سورةً فیها سجدةٌ من العزائمِ"، فقالَ: "إذا بَلَغَ مَوضعَ السجدةِ فلا یَقرَأْها و إن أحبَّ أن یَرجِعَ فیَقرأَ سورةً غیرَها و یَدَعَ التی فیها السجدةُ فیَرجِعُ إلی غیرها".»

علامه حلی پیش محقق حلی که دایی ایشان بود، درس می‌خواند. یك روز خواجه به حله رفت، دید که محقق به علاّمه درس می‌دهد، علاّمه شاگرد خواجه بود؛ فلسفه و منطق را پیش ایشان خوانده بود. کتاب جوهر النضید هم شرح علاّمه است، اتفاقاً بعضی از جاهای آن از خود متن مشکل‌تر و دقیق‌تر است. آن روز این بحث را شرح می‌داد که قبله برای کسانی که در خود مکه یا در مسجدالحرام هستند نفس‌الکعبه است و برای کسانی که خارج مکه هستند، به حکم ثانوی، همان جهت است. علاّمه اعتراض کرد که برای کسانی‌که در خود مکه و مجاور هستند نفس‌الکعبه می‌باشد ولی برای کسانی که خارج هستند، جهت کعبه است؛ یعنی دو حکم داریم؛ ـ حکم ثانوی نیست ـ یك حکم داریم برای کسانی که مواطنین هستند و یك حکم برای کسانی که در بلاد بعیده هستند که برای افراد بعیده جهت کعبه است. خواجه از اشکال علاّمه خوشش می‌آید و می‌گوید: «رأیت شیخا کبیراً قد أبقر العلمَ بقرا و طفل صغیراً إن أبقاه اللَه صار علامة دهرا.» علاّمه از آنجا ملقب به علاّمه شد؛ خواجه به ایشان این لقب را داد. البته اشکال علاّمه وجهی ندارد ولی بالأخره خواجه خوشش آمد و گفت: «علامةٌ».[1]

وقتی محقق می‌خواست او را دعوا کند ـ ایشان هنوز بالغ نشده بود ـ یا مثلاً تنبیه کند، او آیهٔ سجده را می‌خواند و محقق سجده می‌کرد، علاّمه هم فرار می‌کرد و بالای درخت می‌رفت و می‌گفت: «من که تکلیف ندارم!» محقق می‌گفت که از تو گذشتم!

حکم تلاوت سور عزائم در نمازهای مستحب

تلمیذ: سوَر عزائم در نماز مستحب اشکال دارد؟!

استاد: در نماز مستحب اشکال ندارد، نص هم داریم.[2]

تلمیذ: آیا در سورهٔ بعدی که جایگزین سورهٔ واجب می‌شود بسم الله لازم است؟

استاد: ابتدای هر سوره‌ای بسم الله دارد.

تلمیذ: یعنی قبل از آن آیه به سورهٔ دیگری منتقل شود؟!

استاد: بله مثلاً وقتی سورهٔ قلم می‌خواند به آیهٔ سجده که می‌رسد سورهٔ «والذاریات» را شروع می‌کند

---

[1] ریاض العلماء، ج ۱، ص ۱۰۳. با اندکی تغییر و اضافات.

[2] وسائل الشیعة، ج ۶، أبواب قراءة فی الصلاة، باب ۴۰، ص ۱۰۵، ح ۲:

«عَن سَماعَةَ قالَ: "مَن قَرَأَ ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ﴾ فَإذا خَتَمَها فَلْیَسجُدْ" إلی أَن قالَ: "و لا تَقْرأْ فی الفَریضَةِ اِقرَأْ فی التَّطَوُّعِ".»

یا مثلاً سورهٔ «والعادیات».

تلمیذ: اگر از وسط سوره هم شروع کند دوباره بسم الله لازم است؟!

استاد: نه، از ابتدای سوره بسم الله می‌خواهد. مثل کسی که ابتدائاً بخواهد سورهٔ کاملی در نماز بخواند. اگر کسی بخواهد از وسط سوره بخواند، بسم الله لازم نیست.

تلمیذ: در رکوع و سجده غیر از ذکر معروف، اذکار دیگر جایز است؟

استاد: بله، همه چیز جایز است!

تلمیذ: «اللَهُ اکبر» جایز است؟ یعنی مثلاً اگر در رکوع یا سجده سه مرتبه «اللَهُ اکبر» بگوییم، صحیح است؟!

استاد: نه! باید «سبحان اللَه» و آن ذکری را که وارد است، بخواند، آن‌وقت اگر بخواهد اضافه بخواند اشکالی ندارد. نمی‌تواند «اللَهُ اکبر» را به‌جای «سبحان اللَه» بگوید، اول «سبحان اللَه» را بخواند بعد صد دفعه «اللَهُ اکبر» هم بگوید عیبی ندارد، باید آن اصل باید انجام شود.

اللهمَّ صلِّ عَلیٰ محمَّد و آلِ مُحَمَّد